

نشست سرفصل هدایت حلقه تبلیغ زائران پیاده امام رضا علیه السلام

آیت الله شیخ علی رضایی تهرانی

دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

۱۴۳۷/۰۲/۰۷ هجری قمری

۱۳۹۴/۰۸/۲۸ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَيْجَةِ الْعَالَمِ هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛»

سالروز میلاد باب الحوائج الی الله امام کاظم (علیه السلام) را تبریک دارم و سالگشت شهادت سبط اکبر امام حسن مجتبی (علیه السلام) را تسلیت عرض می کنم.
در آستانه شهادت امام رضا (علیه السلام) در ماه صفر هستیم و مجلس به مناسبت گردهمایی مبلغان زائران مرقد مطهر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) بنا نهاده شده است.
من پیش از اینکه مطالب مورد نظر را عرض کرده باشم، دو یا سه مقدمه ای لازم الذکر می دانم؛
مقدمه نخست اینکه سخن و کلام همیشه دارای اثر است؛ اصلاً وجه تسمیه کلمه و کلام همین است. در کلام عرب ماده کلم یعنی تأثیرگذاری و جراحت؛ چرا به جراحت کلم گفته می شود به خاطر اینکه اثرش می ماند. شاعر گفت:

«جراحات السنان لها التیام ولا یلتام ما جرح اللسان»

اما سخن که ویژگی اش تأثیرگذاری است، گاه تأثیرش بیشتر است، عواملی باعث می شود تأثیر بهتر و بیشتری داشته باشد و یکی از عوامل جایی است که مستمع و شنونده آمادگی شنیدن دارد و آماده تأثیرپذیری است.
در جریان خطبه همام که در نهج البلاغه نقل شده است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) سخنگوست و همام شنونده است، درست است که گوینده علی بن ابی طالب (علیهما السلام) است و بزرگ سخن است؛ اما آمادگی همام باعث شده که سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) منجر به مرگ او شد؛ «فَصَعِقَ هَمَّامٌ صَعَقَةً كَانَتْ نَفْسُهُ فِيهَا» این برمی گردد به آمادگی شنونده؛

مقدمه دوم، تجربه ما این است که یکی از مواردی که گوش ها برای شنیدن آماده است و دل ها برای پذیرفتن آماده است در سفرهای زیارتی است؛ من مکرر با مردم مکه مشرف شدم چه عمره و چه حج، مکرر با مردم عتبات مشرف شدم نجف، کربلا و کاظمین؛ احساس من بر این است که یکی از مواردی که گوش ها برای شنیدن و دل ها برای پذیرفتن بسیار، بسیار آماده است در سفرهای زیارتی است. تعبیر من این است که می گویم در این سفرها مردم تبدیل می شوند به یک کپسول پذیرش. من گاه بوده مطلبی را به کسی می خواستم در غیر این سفرها تفهیم کنم تا مورد قبول او واقع شود سه سال زحمت می برده است؛ اما همان مطلب را در عرض چند دقیقه کنار خانه خدا یا مسجدالنبی یا کنار قبر امیرالمؤمنین به او عرضه کردم و اثر پذیرفته و عمل کرده است. به خصوص اگر سفرهای زیارتی همراه با نوعی سختی همراه باشد مثل سفرهای زیارتی عزیزی که پیاده سفر می کنند و گاه چند صد کیلومتر را با پای پیاده می آیند.

مقدمه سوم، از قدیم گفتن «خیر الکلام ما قلّ ودلّ»؛

کم گوی و گزیده گوی چون در / تا ز اندک تو جهان شود پر ۳

حوصله امروز مردم ما حوصله زیادی نیست. مردم رفتند به سمت گزیده‌شنوی و لذا حتماً باید در مقام تبلیغ به خصوص برای زائران خسته راه ما این عنصر را در نظر داشته باشیم از اطناب ممل، زیاده‌گویی و تأکید نابجا بپرهیزیم.

مقدمه پنجم، تأثیرگذارترین سخن، سخنی است که سه ویژگی داشته باشد، تجربه تاریخی هم همین را نشان می‌دهد؛

اول، محتوا خوب و عالی باشد؛

دوم، قالب خوب و عالی باشد؛

سوم، پشت‌صحنه سخن اخلاص مدد کند.

اگر گوینده مخلص باشد ثمره کار خودش را به درهم و دینار نفروشد در حقیقت با خدای متعال معامله کند با آن کسی که اینها زائر اویند تعامل کند و معامله کند؛

آنچه که می‌خواهد بگوید مضمون متعالی باشد، مضمون فرودستی نباشد، فرادستی باشد، مضمون و محتوا عالی باشد؛

این مضمون عالی و محتوای عالی را در یک قالب زیبا بریزد، در یک قالب عالی و هنرمندانه ارائه کند این بیشترین و بهترین تأثیر را خواهد داشت. اینکه شما می‌بینید خود رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در عرض بیست و سه سال از یک موجوداتی که در تاریخ آمده و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در نهج البلاغه آورده است، انسان‌هایی که افتخارشان به زنده‌به‌گور کردن دختر، شغلشان آدم‌کشی، غذایشان پست‌ترین غذا، بی‌رحمی و قساوت سراسر وجودشان را گرفته بود، انسان‌هایی می‌سازد که امروز در دنیا نظیر ندارند به‌خاطر این است که

پیام، وحی الهی است و قالب، گفتار رسول خداست که فرمود: «أَنَا أَفْصَحُ مَنْ نَطَقَ بِالصَّادِ {بَيْدَأْتِي مِنْ قُرَيْشٍ ۴}»

من از همه فصیح‌تر و بلیغ‌تر هستم، اخلاص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز که مشخص است، این قدر اثر می‌کند که تمدن اصیل اسلامی را در کمتر از یک ربع قرن پایه‌گذاری می‌کند، به دلیل این سه عنصر است.

حتماً باید آنچه که ما درصدد ارائه او هستیم باید به‌گونه‌ای باشد که محتوا عالی، قالب عالی، اخلاص هم که حتماً باید در کنار مطلب باشد.

این مقدمات را کنار بگذارم و به اصل مطلب پردازم؛ من تصورم بر این است که عزیزان در این خدمتی که بر دوش دارد نسبت به زائران قبر مطهر علی ابن موسی الرضا (علیهما السلام) که قدم در ارض اقدس می‌گذارند؛ می‌دانید ما

موارد اندکی از کره خاکی را داریم که نسبت به آنها تعبیر {عَنْ أَبِي هَاشِمٍ دَاوُدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: {إِنَّ بَيْنَ جَبَلِي طُوسَ قَبْضَةٍ فُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ ۵}»

پاره‌ای از بهشت را داریم که یکی‌اش اینجاست. فرمود: بین دو کوه طوس قطعه‌ای از درب‌های بهشت است. این مطلب را راجع به چند مکان محدود بیشتر در سطح کره خاکی نداریم که مکان بهشتی است، مکان مکانتی بالا دارد، مکان مال این دنیا گویا نیست.

خادمان زائران این قطعه بهشتی و بضعه (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) ۶ یعنی آقا علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) به تصور من و به گمان من کارشان که این جلسه برای توجیه همین کار تشکیل شده است باید در پنج یا شش محور مورد توجه قرار بگیرد؛ یعنی در تبلیغی که شما دارید برای زائرین محترم این محورها را باید مورد عنایت و توجه قرار بدهید؛

محور اول، فضیلت و ثواب زیارت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)؛ به‌هر حال این انسان‌ها بلند شدند، همت کردند از جاهای مختلف خود را می‌کشند به ارض اقدس که بعضاً حدود یک ماه در راه با پای پیاده، پاهای تاول‌زده می‌آیند. من کسانی را تربت حیدری چندی پیش ملاقات کردم که این‌ها ۴۵۰ کیلومتر راه را و بعضاً بیشتر از این مسافت قریب به هزار و اندی کیلومتر راه را داشتند پیاده می‌آمدند برای مرقد مطهر علی موسی الرضا (علیهما السلام) اینها تاج سر هستند و اینها ارزشمندند برای اینها باید آثار و ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) تبیین بشود.

در این محور چند مطلب را خدمت عزیزان عرض کنم؛

تفحصی که انسان در روایات اهل بیت (علیهم السلام) می‌کند می‌بیند بیش از چهل روایت در فضیلت زیارت امام رضا (علیه السلام) داریم. بیش از چهل روایت از هشت معصوم در این مورد است. کمتر مقوله‌ای ما در دین داریم

آن قدر مورد اعتنا باشد.

بحث ولایت فقیه را ببینید مجموع روایاتش چند عدد است؟ بحث استصحاب را ببینید مجموع روایاتش چند عدد است؟ تعداد روایات می تواند بر اهمیت دلالت کند.

البته بحث ولایت فقیه چون ادامه بحث رهبری است اگر همه روایات و آیات رهبری را در نظر بگیریم کمیتش زیاد می شود؛ اما خصوص ولایت در عصر غیبت کم است. ولی در خصوص زیارت امام رضا (علیه السلام) را می بینید چهل روایت از هشت معصوم صادر شده است. از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای زیارت امام رضا (علیه السلام) روایت داریم. این روایت را برای زیارت امام سجاد (علیه السلام) نداریم، برای زیارت امام صادق (علیه السلام) نداریم، برای زیارت امام کاظم (علیه السلام) نداریم، اما برای زیارت امام رضا (علیه السلام) داریم نسبت به ایشان از امیرالمؤمنین (علیه السلام) زیارت داریم بیاید امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد (علیهم السلام).

از این چهل روایت بیش از بیست اثر و خاصیت به دست می آید که بعضی از این آثار و خواص، انسان را حساس می کند؛ مثلاً امام جواد (علیه السلام) به صراحت فرمودند: {«عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلَتْ فِدَاكَ زِيَارَةُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ فَقَالَ زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ وَذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَيُّورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَأَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ ۷.»}

قبر علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) ثوابش از زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) بیشتر است و بر این مطلب استدلال کردند.

نمونه های از آثار و ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) برایتان بخوانم؛ عمده روایات از عیون اخبار الرضا (علیه السلام) است. خود روایات را نمی خوانم؛ بلکه آثار ذکر شده در این روایات را می خوانم؛ یکم، زیارت امام رضا (علیه السلام) همانند زیارت خدا در عرش خداست؛

{«عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ حِجَّةً قَالَ نَعَمْ وَسَبْعِمِائَةَ حِجَّةٍ قُلْتُ سَبْعِمِائَةَ حِجَّةٍ قَالَ نَعَمْ وَسَبْعِينَ أَلْفَ حِجَّةٍ قُلْتُ وَسَبْعِينَ أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ نَعَمْ وَرَبِّ حِجَّةٍ لَا تُقْبَلُ مِنْ زَارِهِ وَبِاتٍ عِنْدَهُ لِئَلَّا كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قُلْتُ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ اللَّهِ أَرْبَعَةَ مِنْ الْأَوْلِيَيْنِ وَأَرْبَعَةَ مِنْ الْآخِرِينَ أَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ فَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّا الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ هُمْ مِنَ الْآخِرِينَ فَ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ مُرِيماً مُضْمَراً فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَيِّمَةِ إِلَّا أَنْ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةٌ وَأَقْرَبَهُمْ حَبُورَةٌ مِنْ زَارِ قَبْرِ وَلَدِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ۸.»}

که این مفهوم از قبیل مفاهیمی است که ما نمی فهمیم با اینکه می خوانیم و بیان می کنیم در منبرها می گوئیم اما حقیقتش بر ما مشخص نیست. فرمود: هر کس علی بن موسی الرضا را در طوس زیارت کند مثل اینکه خدا را در عرش زیارت کرده است خیلی تعبیر بلند است. نشانگر آن مقام هو هویت، کمال، فنا و اندکاک ذاتی امام معصوم (علیه السلام) در مقام وصل و مقام لقاء الهی است که خیلی مقام، مقام بلندی است.

دوم، زیارت امام رضا (علیه السلام) در ثواب و ارزش همانند زیارت رسول خدا است؛

{«عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمُرُوزِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: إِنَّ ابْنِي عَلِيًّا مَقْتُولٌ بِالسَّمِّ ظُلْمًا وَمَدْفُونٌ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ بِطُوسٍ مِنْ زَارِهِ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ۹.»}

سوم، ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) برتر از ثواب زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) است؛ روایت از امام جواد (علیه السلام) {که بیان شد}.

چهارم، زیارت امام رضا (علیه السلام) موجب برطرف شدن همه گرفتاری ها و غم هاست؛ پیغمبر فرمود: {«سَتُدْفَنُ بِضَعَّةٍ مِثِّي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كَرِيْتَهُ وَلَا مَدْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ ۱۰.»} هر مکروبی و هر مغمومی به این آستان بیاید {گشایش حاصل می شود} خیلی از اینها که در این آستان می شتابند با هزار امید آمدند باید این روایات را بشنوند.

ششم، زائر امام رضا (علیه السلام) ثواب هفتاد هزار شهید در رکاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را دارد؛ {«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُقْتَلُ حَفْدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مِنْ زَارِهِ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ يَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا عَرَفَانُ حَقَّهُ قَالَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ شَهِيدٌ مِنْ زَارِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَجْرَ سَبْعِينَ أَلْفَ شَهِيدٍ مِمَّنْ اسْتُشْهِدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حَقِيقَةٍ (۱۱)»}

تمام شهدای صدر اسلام در رکاب پیغمبر هفتاد هزار نفر نیستند و بعضی از این شهدا بسیار بزرگوارند مانند حضرت حمزه و حضرت جعفر (سلام الله علیهما)؛ همه این روایات را مرحوم صدوق مسند ذکر کرده است. هفتم تا یازدهم، چند تا روایت که در اینجا جمع نمودم، زائر امام رضا ثواب صد هزار شهید، صد هزار صدیق، صد هزار مجاهد در راه خدا، صد هزار حاجی و صد هزار عمره به جا آورنده دارد که این حاجی و عمره به جا آورنده در روایات بعدی به یک میلیون تبدیل شده است؛ {«عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ بَرْزَنْطِيٍّ قَالَ: قَرَأْتُ كِتَابَ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَبْلَغَ شَيْعَتَنَا أَنْ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ أَلْفَ حِجَّةٍ قَالَ إِي وَاللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ (۱۲)»}

بنده وقتی زائر را عمره یا حج می برم در روز آخر که می خواهیم به مشهد مقدس برگردیم در جلسه آخر (زائران مشهدی هستند) می گویم آمدی حج واجب چقدر خرج کردی؟ می گویند: سی میلیون تومان خرج کردیم برای آمدن و ده میلیون نیز سوغاتی خریدیم، این چهل میلیون تومان شد و اگر برگردیم ده میلیون نیز باید ولیمه بدهیم می شود پنجاه میلیون تومان. می گویم این پنجاه میلیون تومان که خرج کردی یقین داری حجت قبول شده است؟ می گویند نه! قسم می خوری حجت قبول است؟ می گویند: نه!

اینجا من این نکته را تذکر بدهم می گیرد، می گویم: روایات می گویند وقتی رفتی زیارت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) ثواب یک میلیون حج و عمره مقبول به شما داده می شود، حج مقبول عمره مقبوله را تضمین کردند. بزرگواری الان در مشهد زندگی می کند اهل سیروسلوک، اهل دل و چشمش باز است خود ایشان به من فرمودند: من بالا خیابان ۱۳ داشتم می رفتم به سمت حرم مطهر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) نرسیده به بست بالا خیابان یک دفعه دیدم من در مشعر هستم (ایشان مکرر مکه مشرف شده است) عجیب است من مشهد بودم اینجا مشعر است خیابان، خیابان مشعر، کوهها کوههای مشعر است! من اینجا چه کار می کنم! به حرکتیم ادامه دادم، فضا فضای مشعر بود، آمدم دارم در مشعر راه می آیم، آمدم، آمدم، آمدم تا پردهها برداشته شد دیدم کنار سقاخانه اسماعیل طلا هستم. بعد این بزرگوار می فرمودند: این یعنی معصوم کتره و بی دلیل حرف نمی زند، اگر می گوید زیارت قبر پدر من حج و عمره است؛ یعنی مشعر مشهد است و مشعر مشهد است فرق نمی کند. حالا به یک نفر مثل این بزرگوار نشان می دهند، ما هم ممکن است از این مکاشفات بی بهره باشیم.

{«عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ ابْنِي مُوسَى إِسْمُهُ اسْمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَرْضِ طُوسٍ وَهِيَ بِخُرَّاسَانَ يُقْتَلُ فِيهَا بِالسَّمِّ فَيُذْفَنُ فِيهَا غَرِيبًا مِنْ زَارِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ (۱۴)»}

زائر امام رضا (علیه السلام) ثواب همه کسانی را که قبل از فتح مکه زیر پرچم اسلام جنگیده اند و در راه خدا انفاق کرده اند را دارد، قبل از فتح مکه یعنی مهاجرین و بعد از فتح مکه که همه آمدند؛ یعنی منافق و غیر منافق. زیارت امام رضا (علیه السلام) موجب بخشیده شدن همه گناهان گذشته و آینده است؛ گرچه به تعداد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد متن روایت این است:

{«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ بِالسَّمِّ ظُلْمًا إِسْمُهُ اسْمِي وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَا فَمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النَّجُورِ وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ (۱۵)»}

زائر امام رضا (علیه السلام) مورد بازدید علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در روز قیامت قرار می گیرد؛ {عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنِّي سَأَقْتُلُ بِالسَّمِّ مَظْلُومًا وَأُقْبِرُ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ وَيَجْعَلُ اللَّهُ تُرْبَتِي مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَأَهْلِي مَحَبَّتِي فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي وَجَبَتْ لَهُ زِيَارَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ ١٦.} {عَنْ زَائِرِ إِمَامِ رِضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) خُودِ حَضْرَتِ دَرِ سَهْ وَوَقْتِ بَهْ كَمَكِ أَوْ مِ شَتَابِدِ كِهْ شَمَا اَيْنِ رَا هَمِهْ شَنِيدِيدِ: {عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا نَظَّيْرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الصَّرَاطِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ ١٧.} { وَوَقْتِ گِرْفْتِنِ نَامِهْ عَمَلِ، وَوَقْتِ عُبُورِ اَزْ صِرَاطِ، وَوَقْتِ سَنَجَشِ اِعْمَالِ. اَيْنِ رَوَايَتِ خِيَلِي عَجِيْبِ اسْتِ، اَزْ اِمَامِ كَاظِمِ (عَلَيْهِ السَّلَام):

{عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمَرْوَزِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ زَارَ قَبْرَ وُلَدِي عَلِيٍّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى سَبْعُونَ حِجَّةً مَبْرُورَةً قُلْتُ سَبْعُونَ حِجَّةً قَالَ نَعَمْ وَسَبْعُونَ أَلْفَ حِجَّةٍ ثُمَّ قَالَ رَبِّ حِجَّةٍ لَا تُقْبَلُ وَ مَنْ زَارَهُ أَوْ بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عَرْشِهِ قُلْتُ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ قَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ فَأَمَّا الْأَوْلِيُّ فَنُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَمَّا الْآخِرَةُ فَالْأَخْرُونَ فَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ يَمْدُ الْمِطْمَارُ فَتَقْعُدُ مَعَنَا زُورًا قُبُورِ الْأَيْمَةِ إِلَّا أَنَّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةٌ وَأَقْرَبُهُمْ حَبُورَةٌ زُورًا قُبُورِ وُلَدِي عَلِيٍّ ١٨.} {

زائر امام رضا (علیه السلام) در روز قیامت گرامی ترین و برترین گروه در نزد پروردگار است.

{عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُصِبَ لَهُ مِنْبَرٌ مِثْلُ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى يَفْرَغَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ حِسَابِ الْعِبَادِ ١٩.} {

روبروی منبر پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) منبری نصب می شود، روزی که همه در عرق خود غرق اند و تا دهان خود در عرق هستند و در روز قیامت از بس در فشارند، چه بدها و چه خوبها، جهنمی ها و بهشتی ها می گویند: خدایا تمامش کن! تا این حد فشار سخت است؛ لکن این عده آرام هستند، یک منبری روبروی منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نصب می شود این منبر ویژه زائران قبر علی موسی رضا (علیه السلام) است.

زائر امام رضا (علیه السلام) بهشت رفیق ائمه اطهار (علیهم السلام) است، {حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: أَنَا مَقْتُولٌ وَمَسْمُومٌ وَمَدْفُونٌ بِأَرْضِ غُرْبَةٍ أَعْلَمُ ذَلِكَ بِعَهْدِ عَهْدِهِ إِلَى أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْأَقْمَنُ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كُنْتُ أَنَا وَأَبَائِي سُفْعَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ كُنَّا سُفْعَاءَ هُنَا وَنَجَا وَوَكَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ ٢٠.} { یک جمله در مورد زیارت امام رضا (علیه السلام) از خود امام رضا (علیه السلام) داریم که این جمله را من از دو یا سه تن از اساتید پرسیدم و خوب جوابشان را متوجه نشدم!

حضرت می فرماید: کسی به زیارت قبر من بیاید در غربت من نه تنها آمرزیده می شود، بهشتی می شود، دستش را می گیرم و به زیارتش می ایسم بلکه {فَقَالَ دِعْبِلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْقَبْرُ الَّذِي بِطُوسٍ قَبْرٌ مِنْ هُوَ فَقَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَبْرِي وَلَا تَنْقِضِي الْأَيَّامَ وَاللَّيَالِي حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفَ شِيعَتِي وَزُورَارِي الْأَقْمَنُ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي بِطُوسٍ كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ ٢١.} { در آن دنیا هم درجه من و با من است که این روایت خیلی عجیب است.

بنده از سه تن از اساتیدم این روایت را سؤال کردم و دو تن از ایشان تصریح کردند که ما نیز نمی‌فهمیم و روشن نیست.

یک بحث قرآنی داریم:

{وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ} «۲۲»

بحث "الحاق" که بحث مهمی در مباحث معارفی است، اساتید فرمودند: شاید به آن‌ها گره بخورد و گرنه روشن نیست.

البته بحث زیارت امام رضا (علیه السلام) بیشتر از اینجا جای حرف دارد ۲۳ من می‌خواهم همه مطالب را گفته باشم.

محور اولی که عزیزان باید روی آن تأکید کنند بحث ثواب و فضیلت زیارت آقا علی ابن موسی الرضا علیه السلام است.

محور دوم، آنچه در تبلیغ باید مورد عنایت قرار بگیرد بحث معرفت است. زیارت هرچه بامعرفت‌تر باشد آثارش بیشتر است. اقل اقل معرفتی که در روایات مطرح شده که آثار زیارت بر آن بار می‌شود این است که انسان بداند این مزور واجب الطاعة است و امام من است.

من دارم می‌روم زیارت قبر علی بن موسی رضا (علیه السلام) بدانند این مزور امام است و واجب الطاعة گفتن این دیگر کف قضیه است این را بدانند و به این یقین داشته باشد.

خدا رحمت کند استاد ما مرحوم آیت الله بهجت (ره) را، یکی از نکاتی که ما از ایشان استفاد کردیم همین بود. ایشان می‌فرمودند: مردم وقتی می‌روند به زیارت تأکیدشان بر آداب عملی است که خیلی هم خوب است، لباس تمیز بپوشد، عطر بزند، گام‌هایش را کوتاه بردارد، ذکر بگوید و با توجه برود؛ اینها درست است؛ اما از آداب عملی مهم‌تر و مورد تأکید تر آداب علمی زیارت است.

چطور ما گناهان علمی داریم که متأسفانه مغفول است. بنده در این زمینه کتاب نوشتم، ما ثواب‌ها و طاعت‌های علمی داریم، عبادات علمی و آداب علمی داریم که مغفول است. من که دارم به‌عنوان زائر قبر علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) حرکت می‌کنم پیاده یا سواره به ارض اقدس می‌آیم در کنار این آداب عملی باید تأکید بر آداب علمی باشد و به آن درجه اعتقاد و معرفت باشد و متأسفانه در این زمینه "دست‌ها کوتاه و خرما بر نخیل" است. چون همه شما اهل فضل و طلبه و درس خوانده و فهیم هستید من بحث را از یک زاویه دیگری بیان کنم؛ اخیراً نیز در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی در یک همایشی این را به‌صراحت عرض کردم، عزیزان احساس من این است که در بحث امامت ما شیعیان بازی خوردیم، خصم، حریف و طرف مقابل کلاه بر سر ما گذاشت؛ یعنی در بحث امامت ما در زمین اهل سنت بازی کردیم نه در زمین خودمان و حال اینکه دیگر بعد سی و چند سال انقلاب باید این زمین را عوض کنیم و آنها باید بیایند در زمین بازی کنند؛ چطور؟ در بحث امامت ما به این سمت رفتیم که آقا بعد از پیغمبر (سلام الله علیه) افضل کیست؟ افضل علی (علیه السلام) است یا دیگری؟ دقیقاً این بازی کردن در زمین حریف است. مگر ملاک امامت فضیلت است؟ هرگز! مگر ملاک امامت فضیلت اکتسابی است؟ تا بگویند این فضیلتش بیشتر است و دیگری کمتر است؟ اصولاً ما در ادبیات عرب در باب اسم تفضیل یک نکته‌ای به ما یاد دادند گفتند آقا در تفضیل، مفضل، مفضل علیه و یک وجه مشترک تفضیل داریم؛ مثلاً عرض می‌کنم می‌گویند:

«زَيْدٌ أَعْلَمُ مِنْ عَمْرٍو»، علم می‌شود ماده مشترک، زید می‌شود مفضل و عمرو می‌شود مفضل علیه پس زید ملائتر از عمرو است. اما اگر زید یک ویژگی دارد که این ویژگی شریک ندارد دیگر جای اسم تفضیل نیست. امامت موهبت است، امامت مثل نبوت است، امامت با تفضیل گره نخورده است؛ کسی در این مقوله شریک نیست تا من بخواهم بگویم علی (علیه السلام) یا...؟ "یا" ندارد! این بازی در زمین حریف است، ما را به این سمت کشیدند به اسم جدل به اسم اینکه حال که جدل است مواضع خصم را تسلیم کنید دیگر آن زمان گذشت؛ بلکه الان باید قرآنی

حرف بزنیم و باید بگیم: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» ۲۴، امامت مثل نبوت است و نبوت موهبت الهی است سر آن نیز بر ما معلوم نیست؛ بدین معنا که ذکری، وردی و عملی نداشتیم کسی انجام بدهد سپس پیغمبر بشود، ذکر، ورد و عملی نیز نداریم کسی انجام بدهد و امام بشود، خود خداوند متعال می‌داند و ما چه می‌دانیم! چرا علی (علیه السلام)؟ چه می‌دانیم! چرا حسن (علیه السلام)؟ چه می‌دانیم! چرا امام عسکری (علیه السلام) آری امام شود؛ ولی سید محمد (سلام الله علیه) که در منطقه "بلد" دفن است نه؟! که امام هادی (علیه السلام) روی شانه امام

عسکری (علیه السلام) زد و فرمود: «أَحَدٌ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدَتْ فَيْكَ أَمْرًا ۲۵»، شکر جدیدی انجام بده در مورد تو بداء انجام شد؛ دلیل آن را نمی فهمیم، سالها ما خط را اشتباه رفتیم، ما باید برگردیم و به ویژه برای زائران قبر علی موسی الرضا (علیهما السلام) بحث امامت را بازخوانی کنیم.

یک تأملی من در روایات شیعه انجام دادم بیش از چهارصد شاخص در مورد امامت شیعی پیدا کردم؛ یکی از روایاتی که در این باب خیلی زیبا است و حتماً عزیزان می توانند در این بحث تبلیغی از آن استفاده کنند، روایت خود امام رضا (علیه السلام) است که از قوی ترین روایاتی است که شاخصه های امامت در آن ذکر شده است. بیش از صد شاخصه امامت در این روایت آمده است.

پس باید برگردیم و شاخصه های امامت را برای مردم مخصوصاً برای زائران قبر علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بازخوانی کنیم.

به جهت تبرک و تیمن بخشی از این روایات را که شاخصه های امامت را بیان داشته است ارائه کنم؛

{ «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِإِمَامٍ عَلَامَاتٌ يَكُونُ» }

۱. «أَعْلَمَ النَّاسِ»؛ دانشمندترین مردم؛

۲. «وَأَحْكَمَ النَّاسِ»؛

۳. «وَأَتَقَى النَّاسِ»؛

۴. «وَأَحْلَمَ النَّاسِ»؛ بردبارترین مردم؛

۵. { «وَأَشْجَعَ النَّاسِ»؛ }

۶. «أَسْخَى النَّاسِ»؛

۷. «وَأَعْبَدَ النَّاسِ»؛

۸. «وَيُولَدُ مَخْنُونًا»؛

۹. «وَيَكُونُ مُطَهَّرًا»؛

۱۰. «وَيَرَى مِنْ خَلْفِهِ كَمَا يَرَى مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ»؛

۱۱. «وَلَا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ»؛

۱۲. { «وَإِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلَى رَاحَتَيْهِ رَافِعًا صَوْتَهُ بِالشَّهَادَةِ»؛ }

۱۳. «وَلَا يَحْتَلِمُ»؛

۱۴. «وَتَنَامُ عَيْنُهُ وَلَا يَنَامُ قَلْبُهُ»؛

۱۵. «وَيَكُونُ مُحَدَّثًا»؛

۱۶. { «وَيَسْتَوِي عَلَيْهِ دَرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ }

۱۷. { «وَلَا يَرَى لَهُ بَوْلٌ وَلَا عَائِظٌ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدَّ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِإِتِّلَاعِ مَا يَخْرُجُ مِنْهُ»؛ }

۱۸. «وَيَكُونُ لَهُ رَائِحَةٌ أَطْيَبُ مِنْ رَائِحَةِ الْمَسْكِ»؛

۱۹. { «وَيَكُونُ أَوْلَى النَّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ وَأَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبَائِهِمْ وَأُمَّهَاتِهِمْ»؛ }
۲۰. { «وَيَكُونُ أَشَدَّ النَّاسِ تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛ }
۲۱. { «وَيَكُونُ آخِذًا لِلنَّاسِ بِمَا يَأْمُرُهُمْ بِهِ»؛ }
۲۲. «وَكَفَّ النَّاسَ عَمَّا يَنْهَى عَنْهُ»؛
۲۳. { «وَيَكُونُ دَعَاؤُهُ مُسْتَجَابًا { حَتَّى لَوْ أَنَّهُ دَعَا عَلَى صَخْرَةٍ لَانْشَقَّتْ نِصْفَيْنِ }»؛ }
۲۴. { «وَيَكُونُ عِنْدَهُ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ }
۲۵. { «وَيَسْفَهُ ذُو الْفَقَارِ»؛ }
۲۶. { «وَيَكُونُ عِنْدَهُ صَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ شِعْبَتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَصَحِيفَةٌ فِيهَا أَسْمَاءُ أَعْدَائِهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ }
۲۷. { «يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَامِعَةُ وَهِيَ صَحِيفَةٌ طُولُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِيهَا جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَلِدَادَمَ»؛ }
۲۸. { «يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ وَالْأَصْغَرُ { إِهَابٌ مَا عَزَّوْا إِهَابُ كَبَشٍ فِيهِمَا جَمِيعُ الْعُلُومِ حَتَّى أَرِشُ الْخَدَشِ وَحَتَّى الْجِلْدَةُ وَنِصْفُ الْجِلْدَةِ وَثُلُثُ الْجِلْدَةِ }»؛ }
۲۹. { «وَيَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ»؛ }
۳۰. «مُؤَيَّدُ بَرُوحِ الْقُدُسِ»؛
۳۱. «بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى فِيهِ أَعْمَالَ الْعِبَادِ»؛
۳۲. { «وَكَلِمَاتُ حَاجِ إِلَيْهِ لِدَلَالَةِ أَطْلَعَ عَلَيْهِ»؛ } ۲۶

شاخصه‌های ظاهری و باطنی، مربوط به جسد، مربوط به لباس، مربوط به موارث نبوت و غیره است که نمی‌خواهم همه را بخوانم.

آن روایت مشهور امام رضا در مرو که صد شاخصه امامت در آنجا ذکر شده است ترجمه‌اش را همراه داشته باشید بتوانید بخشی را تکثیر کنید و در اختیار مردم قرار بدهید.

«الْإِمَامُ السَّحَابُ الْمَاطِرُ وَالْغَيْثُ الْهَاطِلُ وَالشَّمْسُ الْمُضِيئَةُ وَالسَّمَاءُ الظَّلِيلَةُ وَالْأَرْضُ الْبَسِيطَةُ وَالْعَيْنُ الْغَزِيرَةُ وَالْغَدِيرُ وَالرَّوَضَةُ الْإِمَامُ الْأَنْبِيُّ وَالرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّقِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ» ۲۷. «مهربان‌ترین برادر برای تک تک امت است.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام) شب آخر عمرش است رفته در مسجد دید دشمنش کار ناهنجار دارد انجام می‌دهد بد خوابیده است این نوع خوابیدن سنت نیست، با نوک پا زدند به ابن ملجم فرمودند: این جورى نخواب؛ زیرا این شیطانی است یا به پشت بخواب که خواب انبیا است یا به سمت راست بخواب که خواب حکماً است یا به سمت چپ بخواب که خواب اطبا است و دمر نخواب. ابن ملجم را نصیحت می‌کنند زیرا «الْأَخُ الشَّقِيقُ» است.

لحظه آخر سیدالشهدا (علیه السلام) فریاد زد: «هل من ناصر بنصرنی؟» ۲۸، یک نفر یا دو نفر یا ده نفر یا پنجاه نفر می‌آمدند برای حضرت فرقی نمی‌کرد. می‌خواهد یک نفر هم یک نفر است و دستگیری بشود و جهنمی نشود. پس مسئله دوم بحث معرفت امام بود؛ یعنی در کنار تأکید بر زیارت تأکید بر بحث معرفت بشود و در بحث

معرفت حتماً باید این نکته مورد توجه قرار بگیرد که امامت در شیعه یک مقوله ماورایی است؛ مانند امام جواد هفت ساله است و یک کودک است در عرف مردم نیز بچه است؛ این بچه می نشیند و یحیی بن اکنم قاضی القضاة امپراطوری زمان مأمون را به خاک می نشاند؛ مگر طبیعی است؟ به یکی از اهل تسنن مدینه گفتم در پاسخ ماند! گفتم: ائمه ما همه دانشمند هستند؟ گفت: قبول دارم گفتم: ائمه شما هم دانشمندند فرضاً؟ و استاد دارند؟ گفت: بله! ابوحنیفه سی استاد، شافعی سیصد استاد و مالک صد استاد مختلف داشت؛ گفتم: امامان ما یک استاد ندارند و اصلاً استاد ندیده‌اند.

تعبیر جاحظ راجع به یکی از ائمه اطهار (علیهم السلام) این است: «كان اعلم الناس ومن العجيب انه لم ير عند العالم»، دانشمندترین مردم بود اما نزد هیچ عالمی درس نخوانده بود. جواب داد: اینها علمشان را از همدیگر می گرفتند؟ گفتم: از هم گرفتند؟ گفت: بله! گفتم: بچه هفت ساله چقدر علم یاد می گیرد؟ ما بچه هفت ساله را می فرستیم مدرسه بنویسد: بابا آب داد، مامان نان داد، نه اینکه بنشیند مسئله در حج مطرح کند هزار و ششصد فرع فقهی از آن در استخراج شود. این یعنی امامت موهبت است و یک مقام والا است پس نباید در زمین حریف بازی کنیم. محور سوم، به نظر من عزیزان در این تبلیغ باید به آن پردازند احکام مورد نیاز است؛

عزیزان من شما چون عمدتاً طلبه‌اید و در فضای مذهبی بزرگ شده‌اید الحمدلله دستی به مسائل شرعی دارید لکن مردم این طور نیستند در یک جمع دانشجویی بیش از صد دانشجو نشسته بودند من دیدم یک دانشجویی دارد خیلی اظهار دین‌شناسی می کند و خیلی گردن‌کشی می کند به او گفتم: این گونه نیست؛ بلکه شما نیاز به استاد دارید و نیاز به روحانی دارید، دیدم زیر بار نمی رفت، خواستم یک کار عملی انجام بدم، گفتم: از این کنار که نشستیم همه عزیزان یک تیمم بگیرند، همه تیمم گرفتند حتی یک دانشجو تیممش درست نبود! دست را می گذاشت روی پیشانی می کشید تا ناف! یک تیمم بلد مردم نیستند، گمان نکنید مردم علامه دهرند. احکام یادشان دهید در حد احکام ابتدایی به صورت عملی؛ بگذارید وضو بگیرد اشکال‌های او را بگیرید بلد نیست؛ زائر امام رضا (علیه السلام) است و خاک قدمش توتیای چشم است؛ ولی بلد نیست احکام را شیرین یاد بدهید، در احکام آن چیزی که خیلی مهم است این است که مورد ابتلا باشد و نیز با دسته‌بندی ارائه بشود، مخاطب بفهمد که مطلب چه شد! مانند واجبات نماز برای مخاطب مشخص شود که ارکان نماز این است و وضو این شد شرایط آن چه چیزهایی است پس محور سوم بحث احکام را جدی بگیرید زیرا مردم از نظر احکام در مضیقه هستند.

خوب نیست این مطلب را بگویم! ما روحانی حج و عمره نیز هستیم، بیش از هشتاد درصد مردم نماز را غلط می خوانند. اصلاً چیزهایی در نماز می خوانند وقتی ما می خواهیم تصحیح قرائت کنیم! می گفت: «السلام علینا وعلی ابا عبد الله الصالحین!» گفتم: امام حسین (علیه السلام) تاج سر است؛ اما اسمش تو نماز نیامده است! اصلاً موارد عجیب و غریب دیده می شود.

محور چهارم، بحث مشاوره است؛ ببینید عزیزان من هر طلبه یک مشاور است چه بخواهیم چه نخواهیم. چطور مردم می گویند: پزشک محرم است! مبلغ محرم است بدین معنا که مردم به او اطمینان می کنند.

خیلی برای من عجیب بود! خانمی زائر داشتم در مدینه به اتاق من آمده است تا سؤال شرعی بپرسد البته سؤال مربوط به امور بانوان بود، شوهرش را بیرون کرد و گفت من خجالت می کشم سپس من طلبه نشستم جواب بدهم؛ ولی شوهرش را بیرون کرد؛ یعنی ما را از شوهرش محرم تر می دید. حتماً بحث مشاوره را جدی بگیرید. اگر آن‌ها هم سر صحبت باز نکردند شما سر صحبت را باز کنید؛ زیرا معمولاً مردم در تربیت فرزند مشکل دارند و نمی‌داند نوجوان را چطور باید تر و خشک کند و نمی‌داند با جوانش که نماز نمی‌خواند و ماهواره نگاه می‌کند چه کار باید بکند! در این زمینه‌ها آموزش دیدید و بلدید و تجربه دارید، بحث را باز کنید و متکلم وحده نباشید.

به پیغمبر اشکال می کردند که تو زیادی می شنوی! { «وَمَنْهُمْ الَّذِينَ يُوْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ اُذُنٌ قُلُّ اُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ » .۲۹

می گفتند: این همش گوش است! خدا فرمود: گوش باشد بهتر است، بشنود تا درد شما را درمان کند، احساس کنند شما گوش هستی پس بشنوید و بعد هم خلاصه، عالی و گویا بتونید دردشان را ان شاء الله درمان کنید.

بحث مشاوره را حتماً جدی بگیرید حتی اگر دیدید در بعضی از موارد از عهده بر نمی آید راهنمایی کنید به کتاب‌های که در این زمینه است یا عزیزانی که در این زمینه کار کردند.

مردم امروزه به شدت محتاج مشاوره هستند یک عزیز دلی که شاید همه شما بشناسیدش از مشاورین قدر استان است و روحانی هم هست ایشان خیلی مورد مراجعه است من دیدم پانزده ساعت بیشتر در هفته مشاوره نمی‌دهد،

به او گفتم سید بزرگوار تو را که مشاورهات را قبول دارند مردم نیز که در صف هستند بیشتر وقت بده گفت: نمی توانم! گفتم: من به جای تو بودم هفتاد ساعت در هفته مشاوره می دادم، گفت: خیال می کنی نمی توانم، گفتم: چرا؟ گفت: من بیش از پانزده ساعت مشاوره بدهم خودم دیوانه می شوم؛ پرسیدم: چرا؟ گفت: این قدر پشت صحنه زندگی ها خراب است و در این حد درون خانواده ها آلوده است. خانواده مذهبی یک ناهنجاری های که اصلاً گفتنی نیست! بتوانید آن ماورای زندگی ها را بیاورید در دست و در ذهن و سپس مدیریت کنید و درمان کنید که بالاترین اجر را دارد.

پنجمین محور، بحث توصیه ها است که عزیزان باید روی این محور کار بکنند؛ اول سخن عرض کردم زائر یک کپسول پذیرش است و تجربه این را تأیید می کند؛ لذا بهترین وقت برای سفارش ها در این زمان است بسیاری از این کسانی که می آیند برای زیارت مردم عادی اند که مشکلاتی دارند خودشان هم می دانند، مشکلات رفتاری دارد؛ مثلاً سیگاری است که باید به او آگاهی بدهیم اخیراً در خانم ها مخصوصاً در شهر تهران خیلی سیگار زیاد شده و کلاس شده است یا فرض کنید آمده مشکلی دارد گاهی بعضی از مشکلات را اصلاً مشکل نمی بیند.

یک خانمی شیراز جلوی منو گرفت گفت: حاج آقا یک سؤال دارم البته گمان نمی کنم نیاز به سؤال باشد؛ ولی حالا دارم می پرسم، گفتم: سؤال چیست؟ گفت: از جیب شوهر پول برداشتن و کسر رفتن که اشکال ندارد؟ گفتم: این کار را کردی؟ گفت: چهل سال است که دارم انجام می دهم. به نظرش کار درستی کرده است، گفتم: می داند، گفت: نه! مگر لازم است بداند؟ اصلاً ناهنجاری نمی بیند! حالا شوهر بدبخت می خواهد مدیریت کند مالش را می بیند چیزی در جیبش نیست و اطمینان هم دارد اما می بیند که رفته است.

خیلی از این هایی که می آیند اینجا به ایشان توصیه کنید که خدا توفیق داده است و آمدی برای زیارت یک بدی خودت را کنار بگذار و یک خوبی برای خودت بنویس و در گوشه ذهنت بگو خدایا تا کنون این ناهنجاری را داشتم به برکت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) کنار می گذارم و این هنجار را انجام می دهم.

فراوان زائر داشتیم در مدینه یا مکه که نماز شب خوان کردیم و بعد از پنج سال یا ده سال بنده را دیده است و می گوید که هنوز دارم می خواهم به خاطر آن عهدی که با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کردم هنوز دارم نماز می خوانم. یعنی زائر آماده است و کاملاً تأثیر پذیر است شما با این توصیه ها می توانید او را راهنمایی کنید. مسئله آخر، ما با یک امتی روبرو هستیم که فقط از ما خوراک نمی گیرد و متأسفانه از جاهای مختلف خوراک از ماهواره ها می گیرند، از شبکه های اجتماعی می گیرند، از دوست و رفیق می گیرد، اذهان بسیاری از مردم پر از شبهه است و شبهه هم یعنی ویروس! اگر توانستید یک آنتی ویروس یا یک سپر امنیتی قوی نصب کنید در وجود این زن یا مرد او را حفظ کردی و اگر نتوانستی آن ویروس یک روزی کار خودش را می کند و از بین می برد و نابود می کند.

بنده سال گذشته که در شهر شیراز برای تبلیغ رفته مسجد دانشگاه بوم داخل نشسته بودیم قبل از اینکه برویم برای منبر، مجلس سنگینی است و در آنجا هر شب چند هزار نفر مستمع داریم. یک شب یک جوان دانشجویی کنار من نشست و گفت سؤال دارم بدون هیچ سلامی علیکی حاج آقا یک سؤال دارم گفتم: بفرمایید. پرسید: درسته این دعوی حسین و یزید با همین تعبیر! به خاطر یک زن بوده است؟ گفتم: ماهواره نگاه می کنی؟ آمد انکار کند، گفت: بله! شنیدم گفتند که سر یک زن دعوا داشتند و کشیده به کشت و کشتار و عرب هم که بی رحم است، می زند و می کشد. ببینید متدین است و پای منبر آمده است و دو دقیقه دیگر می خواهد سینه زنی کند، دانشجوی این کشور است، سی سال از انقلاب گذشته ولی ذهنش پر از شبهه است. جوانان مردم و نوجوانان مردم در خانه ذهنشان پر از شبهه است و نه به پدر می گوید و نه به مادر! فاصله بین پدر و مادرها گاهی خیلی زیاد است.

از یک آقای شنیدم یکی از پسران مرحوم سیدعلی قاضی (ره) عارف کامل، کمونیست شد، از استاد مرحوم علامه حسینی طهرانی (ره) پرسیدم: این خبر درست است؟ فرمودند: بله! حزب الشیوعی یعنی کمونیست ها در کشور عراق، حکومت را به دست گرفتند و شروع کردند افکارشان را در مدارس ترویج کردند و این هم یک نوجوانی بود به کمونیسم گرایش پیدا کرد؛ یعنی می گوید خدا نیست در صورتی که پدر عارف کامل و انسان کامل است؛ یعنی چهل سال است که در خدا غرق فانی است؛ چقدر فاصله است!

اخیراً با یک پسری صحبت می کردم، آن پسر اهل بسیاری از کارها بود؛ ولی پدرش بسیار انسان پیشرفته ای در امر سلوک بود، بچه این طور لکن پدر طور دیگری است؛

شکاف بین نسلی باعث شده که اینها همدیگر را درک نمی کنند و یک واسطه لازم دارد که این درک صورت بگیرد.

ذهن‌ها را بشورانید و ببینید چه چیزی داخلش هست و شبهه‌ها بیاید سپس اگر هم بلد نبودید به صراحت بگید من بلد نیستم؛ ولی تلفن بده، آدرس بده، بگو من تماس می‌گیرم و بعد پاسخ می‌دهم. کاری که گاهی بنده انجام دادم که شبهه‌ای بوده و انسان نتوانسته جواب بدهد سپس توسط آیت‌الله جوادی آملی یا دفتر ایشان سؤال می‌کند و جواب را می‌آورند. بالاخره شبهه که بی‌جواب نمی‌ماند.

پس این شش محور بحث فضیلت و ثواب زیارت امام رضا (علیه‌السلام) روی آن تأکید بشود که روایاتش در کتاب عیون اخبار الرضا (علیه‌السلام) از هشت معصوم، چهل روایت و بیش از بیست اثر ذکر شده است؛ بحث امامت و معرفت امام که متأسفانه در این زمینه بسیار کم کار شده است و ما طلبه‌ها امام‌شناسی مان ضعیف است، در همین راستا تأکید بر آداب علمی زیارت بسیار مهم است؛ دیگر بحث احکام که خیلی مردم در آن عقب‌اند؛ بحث توصیه‌ها و سفارش‌ها که حتماً یک تغییری در این سفرها در ایشان ایجاد بشود و سفر مؤثر و مغیر باشد. گاهی برای زائران خانه خدا خواندم و می‌گویم: سعدی گفت:

خر عیسی گرش به مکه برند {چون بیاید هنوز خر باشد} ۳۰

حاجی به مکه رفته است و آن الاغ نیز رفته است؛ ولی خر رفته و خر برگشته است اینکه درست نیست. این همان است که امام سجاد، امام باقر، امام صادق و در بعضی روایات نیز امام کاظم (علیهم‌السلام) یعنی از چهار امام این روایت را داریم که دست می‌کشیدند روی چشم اصحابشان می‌دیدند دور خانه خدا حیوانات دارند می‌چرخند. {«قَالَ أَبُو بَصِيرٍ لِلْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا أَكْثَرَ الْحَجَّيْجَ وَأَعْظَمَ الضَّبَّيْجَ فَقَالَ بَلْ! مَا أَكْثَرَ الضَّبَّيْجَ وَأَقَلَّ الْحَجَّيْجَ أَحَبُّ أَنْ تَعْلَمَ صِدْقَ مَا أَقُولُهُ وَتَرَاهُ عَيْنَانَا فَمَسَحَ عَلَى عَيْنَيْهِ وَدَعَا بِدَعَوَاتٍ فَعَادَ بَصِيرًا فَقَالَ أَنْظُرْ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِلَى الْحَجَّيْجِ قَالَ فَتَنَطَّرْتُ فَإِذَا أَكْثَرُ النَّاسِ قِرْدَةٌ وَخَنَازِيرٌ وَالْمُؤْمِنُ مِنْ بَيْنَهُمْ كَالْكَوْكَبِ اللَّامِعِ فِي الظَّامِئِ ۳۱.»} حاجی کم است و زائر می‌خواهیم.

در بحثان توصیه‌ها را جدی بگیرید و نیز به بحث مشاوره‌ها و شبهات پردازید. این شش محور ان‌شاءالله اگر مورد عنایت باشد امیدواریم ان‌شاءالله زیارت‌های پربارتر، بامحتواتر، باارزش‌تر و این را هم می‌دانید که هیچ خدمتی در عالم به‌مانند خدمت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) نیست و در میان خدمت به اهل بیت عصمت و طهارت کمتر خدمتی است به‌پای خدمت به زائران علی ابن موسی الرضا (علیهما‌السلام) برسد که روایتش را خدمتتان عرض کردم.

امام رضا (علیه‌السلام) همان آقایی است که مهمان آمد منزلش خود راوی نقل می‌کند: {«نَزَلَ بِأَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مُضَيَّفٌ وَكَانَ جَالِسًا عِنْدَهُ يُحَدِّثُهُ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ فَتَغَيَّرَ السَّرَاجُ فَمَدَّ الرَّجُلُ يَدَهُ لِيُصْلِحَ فَزَبَرَهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ بَادَرَهُ بِنَفْسِهِ فَأَصْلَحَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَحْدِثُ مُضَيَّفًا فَتَنَا ۳۲.»}

که من مهمان امام رضا (علیه‌السلام) بودم، چراغ فتیله‌ای داشت می‌سوخت، یک لحظه مشکلی پیدا کرد فتیله افتاد داخل روغن نورش کم شد و داشت خاموش می‌شد، من رفتم چراغ را اصلاح کنم حضرت دست منو گرفتند فرمودند: ما از مهمان کار نمی‌کشیم، مهمان ما هستید و من باید چراغ را اصلاح کنم. این قدر مهربان است که مشهور به امام رئوف است و خدمت به امام رئوف می‌تواند دین و دنیای انسان را آباد کند ان‌شاءالله.

به روح مطهر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) به‌خصوص امام حسن مجتبی، امام کاظم و امام رضا (علیهم‌السلام) که هر کدام به مناسبتی در امروز مناسبتی با آن حضرات دارند هدیه می‌کنیم صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

فهرست منابع

۱. شافعی، محمد بن ادریس، سلیم، محمد ابراهیم، و سلیم، محمد ابراهیم. بدون تاریخ. دیوان الإمام الشافعی. ج ۱. قاهره - مصر: مکتبه ابن سینا، ص ۱۴۱.
۲. صالح، صبحی، شریف رضی، محمد بن حسین، و علی بن ابی طالب (ع)، امام اول. ۱۴۱۴. نهج البلاغه (صبحی الصالح). ج ۱. قم - ایران: مؤسسه دار الهجرة، ص ۳۰۳-۳۰۶.
۳. اشعار نظامی گنجوی، خمسه، لیلی و مجنون بخش نهم در نصیحت فرزند خود محمد نظامی.
۴. عجلونی، اسماعیل بن محمد. ۱۳۵۱-۱۳۵۲. کشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث علی السنه الناس. ج ۲. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۱، ص ۲۰۰.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۶.
۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَتَدْفَنُ بَضْعَةً مِنِّي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ لَا مُدْنَبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ؛ ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.
۷. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ج ۸. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۴، ص ۵۸۴.
۸. امینی، عبدالحسین، و ابن قولویه، جعفر بن محمد. ۱۳۵۶. کامل الزیارات. ج ۱. نجف اشرف - عراق: المطبعة المباركة المرتضویة، ص ۳۰۷ و ۳۰۸.
۹. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۶۰.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۷ و ۲۵۸.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۹.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۷.
۱۳. خیابان شیرازی کنونی حد فاصل میدان شهدا تا حرم مطهر رضوی.
۱۴. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۵.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۹.
۱۶. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۲۶ و ۲۲۷.
۱۷. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۵.
۱۸. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ج ۲. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۱۹. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۵۹.
۲۰. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۶۳.
۲۱. ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۲۶۴.
۲۲. سوره طور، آیه ۲۱.
۲۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک بهابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۲، صص ۲۵۴-۲۶۷؛ و نیز شریفی، محمود، «زیارت امام رضا(علیه السلام) در آیین روایات»، فصلنامه فرهنگ زیارت، ۹، شماره ۳۴، ۲۰۱۸، صص ۳۱-۴۷.
۲۴. سوره انعام، آیه ۱۲۴.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، و مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث. ۱۴۱۳. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لألفیة الشیخ المفید، ج ۲، صص ۳۱۷ و ۳۱۸.
۲۶. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی اکبر. ۱۴۱۶. الخصال. ۲ ج. قم ایران: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۲، صص ۵۲۷ و ۵۲۸.
۲۷. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۱، ص ۲۰۰.
۲۸. فهری زنجانی، احمد، و ابن طاووس، علی بن موسی. بدون تاریخ. اللهوف علی قتلی الطفوف. ۱ ج. تهران - ایران: جهان، ص ۱۰۲.
۲۹. سوره توبه، آیه ۶۱.
۳۰. گلستان سعدی، باب هفتم در تأثیر تربیت، حکایت شماره ۱.
۳۱. رسولی، هاشم، ابن شهر آشوب، محمد بن علی، و آشتیانی، محمدحسین. بدون تاریخ. المناقب (ابن شهر آشوب). ۴ ج. قم - ایران: علامه، ج ۴، ص ۱۸۴.
۳۲. غفاری، علی اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامیة، ج ۶، ص ۲۸۳.